

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد



دیزاین: الحاج محمد شاه (پیمان) سویدن



۱۳۹۷

تبع و نگارش:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد

عقیقه و احکام آن:

صاحب مختار الصحاح می فرماید: عقیقه و عقه بکسر (ع) بمعنی موئی است که بهنگام ولادت نوزاد انسان و حیوان بریدن او است وگوسفندیکه برای نوزاد در اولین هفته ولادتش ذبح میشود، بدان نامیده شده است. عقیقه به نزد اکثریت از علمای اسلام سنت مؤکده است ولو که والدین فقیر و تنگ دست هم باشند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم و یارانش برای فرزندان شان عقیقه کرده‌اند. صاحبان سنن روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هریک از نواسه‌های خویش، حسن و حسین فرزندان علی بن ابی طالب قوچ عقیقه کرده‌اند. لیث و داود ظاهری عقیقه را واجب می‌دانند. احکام عقیقه چون احکام قربانی است به فرق اینکه در عقیقه مشارکت جایز نیست. عقیقه در زندگی خانوادگی از مهمترین مسائل که باید والدین (پدر و مادر) به آن اهتمام و توجه کامل داشته باشند. مسئله تربیت و آموزش علم و دانش و ترویج و تطبیق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم به خانواده و از آنجمله به فرزندان است. پدر و مادر باید به فرزندان صالح و نیکوکار خویش شخصیت داده و احترام گذارند، از مصادیق اعانت و یاری فرزندی بر نیکوکاری این است که پدر و مادر از دوران کودکی، بلکه قبل از تولد فرزند، با مهیا نمودن محیط سالم، زمینه را برای رشد و تکامل آنان آماده و مساعد نمایند. چرا که کوچکترین رفتار و گفتارشان در نوزاد تاثیرگذار میباشد. در دین مقدس اسلام و تعلیمات اسلامی تربیه از همان بدو تولد آغاز می‌گردد. از آذان و اقامه گفتن در گوش طفل گرفته، تا انتخاب نام نیک و با مفهوم برای وی، بخرچ دادن سعی و تلاش برای رشد و مراقبت همه جانبه از طفل، فراهم ساختن تربیه سالم و مفید و آموزش‌های لازم و مفید و رشد و شکوفایی خصلت‌های پاک انسانی در او از جمله امور و وظایفی است که دین مقدس اسلام و شرعیت غرای محمدی برآن حکم فرموده است همچنان عقیقه از جمله امور ایست که دین مقدس اسلام برآن هدایت و دستور فرموده‌اند. عقیقه عبارت از ذبیحه‌ای است که از: کشتن گوسفند یا هر حیوانی دیگری که صلاحیت قربانی کردن را داشته باشد، برای طفل نوزاد و بجای او ذبح می‌شود، به یاد داشته باشید جهت حفظ فرزند از بلاها، پرداخت قیمت عقیقه کفایت نمی‌کند.

فضیلت عقیقه:

صاحبان سنن از سمره از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده‌اند که گفت: «کل مولود رهینه بعقیقه تذب عنه یوم سابعه ویخلق ویسمی» پرورش نیکو و شایسته

وصلاح و حفظ نوزاد در پرورش نیکو و شایسته و صلاح و حفظ نوزاد در گرو عقیقه‌ای است که بجای او ذبح می‌شود در هفتمین روز ولادتش که مویش را می‌تراشند و او را نامگذاری می‌کنند).

(نام گذاری خوب یکی از مسایل مهم ارج گذاری برای طفل و بحث مهم و مستقل است که در مورد به تحقیق جدا گانه خواهیم پرداخت).

همچنان در حدیثی از سلمان بن عامر ضبی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و

سلم گفت: « الغلام عقیقه، فأهریقوا عنه دما، وأمیطوا عنه الاذی »

(عقیقه نوزاد پسریا وی است پس برایش خون بریزید یعنی بجای او گوسفندی ذبح

کنید و آلودگی و نجاست را از او دور کنید.) (بروایت پنج نفر از اصحاب صحاح).

عقیقه پسر و دختر:

مطابق حکم حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم نیکوتر آنست که برای طفل نوزاد پسر دو راس گوسفند نزدیک بهم از نظر شباهت و سن و برای نوزاد دختر یک راس گوسفند ذبح شود .

ام کروز کعبی گفت: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌گفت: « عن الغلام

شأتان متكافئتان وعن الجارية شاة »

(بجای نوزاد پسر دو گوسفند قریب بهم در رنگ و سن و بجای نوزاد دختر یک

گوسفند سربرید و عقیقه کنید).

و یک گوسفند هم بجای پسر کفایت می‌کند چون پیامبر صلی الله علیه و سلم برای

هریک از حسن و حسین چنین کرد طوریکه قبلاً بیان گردید.

در مورد اینکه چرا برای پسر باید دو گوسفند قربانی شود و برای نوزاد دختر فقط یک گوسفند،

حکمتش امام ابن قیم جوزیه در کتابش « تحفة المودود » این چنین توصیف کرده است که: «

وشرع فی المذبوح عن الذكر أن یكون شاتین إظهاراً لشرفه وإباحة لمحلله الذی فضله الله به

على الأنثی، كما فضله فی المیراث والذیة والشهادة »، یعنی: (و خداوند برای نوزاد پسر ذبح

دو گوسفند را مشروع کرده است بعلت نشان دادن شرف و برتری جنس مذکر بر مؤنث،

همانگونه که او را در مسائل میراث و ذیة و شهادت بر مؤنث برتر ساخته است). والله اعلم

عقیقه مستحب است یا واجب:

علماء در مورد اینکه حکم عقیقه در شرع اسلامی مستحب است و یا واجب، سه قول معروفی را در این مورد ارائه و بیان فرموده اند:

برخی از علماء می‌فرمایند که: حکم عقیقه در شرع اسلامی واجب می‌باشد، برخی

دیگری از علماء بر مستحب بودن عقیقه در شرع اسلامی حکم می‌کنند، و برخی دیگری از

علماء از جمله امام صاحب شافعی و امام صاحب حنابل بدین نظر اند که عقیقه از جمله

سنت مؤکده می باشد ، واین قول ارجح هم میباشد . زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «مَنْ وُلِدَ لَهُ وَلَدٌ فَأَحَبُّ أَنْ يَنْسُكَ عَنْهُ فَلْيَنْسُكْ، عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافِئَتَانِ، وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةً» ابو داود (2842).

یعنی : «هرکس صاحب طفل شد، و دوست داشت برای او ذبح کند؛ پس برای پسر دو گوسفند یکسان و برای دختر یک گوسفند ذبح کند».

علامه عبد المحسن عباد در « شرح سنن ابوداود » گفته : «از ظاهر این حدیث اینگونه برداشت می شود که عقیقه واجب نباشد».

علماء هیئت دائمی افتاء نیز گفتند : «عقیقه سنت مؤکده است، برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند ذبح می شود، و در روز هفتم (تولد) ذبح شود، و اگر از روز هفتم به تاخیر افتاد جایز است در هر وقتی آنرا ذبح نمود، و بعلت تاخیر آن گناهکار نمی شود، هرچند بهتر است تا جائیکه ممکن است آنرا زود انجام داد» « فتاوی اللجنة الدائمة (11 / 439) .
بادر نظر داشت حکم ادای عقیقه که در بین فقها مورد اختلاف می باشد ، اما با این وجود هیچکدام اختلافی بر سر این مسأله ندارند که انجام عقیقه بر فقیر واجب نیست چه رسد بر انسان قرضدار ، چرا که حتی انجام حج - که از عقیقه مهم تر است - بر پرداخت قرض پیش نمی افتد.

وقت ذبح عقیقه:

احادیثی که دربارهی عقیقه روایت شده است اشاره به این دارد که باید عقیقه در روز هفتم، روز ولادات ذبح شود. بعضی از اصحاب گفته اند: اگر در روز هفتم این کار صورت نگرفت روز چهاردهم، اگر باز هم در روز چهاردهم صورت نگرفت ، باید در روز بیست و یکم، اگر آن روز هم از دست رفت، هر وقت که امکان داشت، این کار را انجام دهد ، حتی اگر شده بعد از یک ماه، چند ماه، یک سال و حتی چند سال.

برخی از علماء بر این امر معتقد اند : زمانیکه طفل به سن بلوغ رسید حکم عقیقه ساقط می شود. و عده ی دیگر بدین باور آند که اگر عقیقه شخصی صورت نگرفته بود ، خود شخص هم میتواند عقیقه خویش را ادا کند، ولی در این باره دلیل محکم و صحیحی وجود ندارد. به همه حال اگر امکان ذبح در آخر هر هفته ای وجود داشت بهتر است. اگر این کار سخت بود، تعجیل آن در هفته های اول و دوم ایرادی ندارد.

حکمت کلی در امر عقیقه وجود دارد بی نهایت عالی و ذی فهم است ، برخی از این حکمت ها را می توان در نقاط ذیل جمع بندی و خلاصه نمود :

- آنچه که به طفل بر می گردد. مثل دعا کردن که در دعای عقیقه وجود دارد ، و اجرای عقیقه در واقع قربانی برای این طفل است .

-آنچه که به فقرا در امر عقیقه بر می گردد و ما می بینیم که به تبعیت اسلام در این قضیه اطعام و تصدق به فقرا صورت می گیرد و این همان چیز است که مطلوب دین و مورد تأیید آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است .

- آنچه که به مسائل اجتماعی برمی گردد و از مستحبات دعوت مؤمنین است (اعم از فامیل و سایر مسلمانان) طوریکه دین مقدس اسلام به دعوت مؤمنین و زیارت کردن همدیگر و رابطه محبت آمیز و انس و الفت سفارش کرده است و در این ملاقاتها اهداف فوق الذکر تحقق می یابند.

-آنچه به مسائل عاطفی برمی گردد، اینکه خانواده طفل مورد توجه قرار می گیرند و مردم در خوشحالی آنان شرکت نموده ، آرامش و دلگرمی پیدا می کنند .
- علاوه از اینکه عمل عقیقه یک نوع شکر گزاری از پروردگار با عظمت برای نعمت صاحب فرزند شدن، است. نعمتی که گویی در نعمت های دنیا همتا ندارد.

توزیع گوشت عقیقه:

در مورد اینکه احکام توزیع و مصارف گوشت عقیقه مثل گوشت قربانی می باشد علماء نظریات مختلف و متفاوتی دارند .

برخی از علماء و فقهاء بدین نظر اند که: احکام و مصارف گوشت عقیقه مانند قربانی است، بنابراین مستحب است آنرا به سه قسمت تقسیم نمود و یک قسمت را برای خود، قسمت دیگر را بین نزدیکان و دوستان توزیع نمود و باقیمانده را بین فقراء توزیع نماید.
برخی دیگر از اهل علم گفته اند: عقیقه مثل قربانی نیست، و لذا می توان با گوشت آن هرگونه که خواست عمل کرد.

امام ابن قدامه می گوید : «روش (استفاده از گوشت عقیقه) در خوردن و هدیه دادن و صدقه کردن آن؛ همان روش قربانی است .. و این رأی امام شافعی نیز میباشد .

ابن سیرین گفته : با گوشت آن هرگونه خواستی عمل کن . ابن جریر اظهار نموده که : گوشت آنرا با آب و نمک طبخ کن و بین همسایگان و دوستان پخش کن و چیزی را صدقه مده . و از امام احمد در این باره سوال شد او در جواب حکم و جواب ابن سیرین را تأیید نمود ، و این دلالت می کند که ایشان بر نظر ابن سیرین هستند، و باز سوال شد که آیا گوشت آنرا بخورد؟ جواب فرمود : این را نمی گویم که همه گوشت را بخورد و چیزی را صدقه ندهد.

(رأی) نزدیکتر به صواب آنست که عقیقه را بر قربانی قیاس نمود، زیرا عقیقه ذبحی مشروع و غیر واجب است مثل قربانی، وانگهی (حیوان) عقیقه در صفت و سن و اندازه و شروط مشابه قربانی است پس در مصرف نیز مشابه آن خواهد بود..» (المغنی (9 / 366) .

امام شوکانی در کتاب « نیل الأوطار » (5 / 231) آورده : «آیا آنچه در قربانی شرط شده در عقیقه هم شرط است؟ شافعیه در این مورد دو دیدگاه دارند، و استدلال شده بر اینکه در

عقیقه دو گوسفند (برای ذبح) است و این دلیل بر عدم اشتراط است، و این سخن حق است».

همچنین فرقه‌هایی بین عقیقه با قربانی ذکر کرده اند که دلالت بر عدم تشابه این دو در همه چیز هستند.

و بطور کلی در سنت نبوی طریقه مشخصی برای توزیع گوشت عقیقه وارد نشده است، وانگهی هدف از عقیقه تقرب الی الله با ریختن خون حیوان به شکرانه نعمت الهی (تولد نوزاد) است، با این وجود می توان گوشت عقیقه را هم هدیه داد و هم صدقه نمود، و یا فقط اهل خانواده از آن بخورند، و یا قسمتی را خود بخورند و قسمتی را توزیع کنند، و این نظر ابن سیرین رحمه الله است.

و از بعضی از سلف صالح مثل جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که تمام گوشت عقیقه را طبخ می کردند، حتی آن قسمتی که صدقه داده می شد، و عطاء بن ابی رباح درباره عقیقه می گفت : « یقطع آرابا آرابا، و یطبخ بماء و ملح ، و یهدی فی الجیران». یعنی : «اعضای اصلی بدن آن قطع شود (مثل دست و پا)، و با آب و نمک طبخ داده شود و بین همسایگان پخش شود». روایت بیهقی در سنن (19827).

و از عایشه رضی الله عنها روایت شده که درباره گوشت عقیقه گفت : « یُجَعَلُ جُدُولًا، یُؤَكَلُ وَیَطْعَمُ». یعنی : «اعضای آن قطع می شود، و از آن خورده می شود و صدقه داده می شود». روایت ابن ابی شیبیه (532/5).

شیخ ابن باز می گوید : «کسی که عقیقه کرده مختار است؛ اگر خواست گوشت آنرا بین نزدیکان و دوستان و فقراء توزیع کند، و اگر خواست گوشت آنرا طبخ کند و هرکس را که خواست از نزدیکان و همسایگان و فقراء دعوت کند ..» (مجموع الفتاوی (262/4)). و شیخ ابن عثیمین گفته : «هم از گوشت آن بخورد، و هم هدیه دهد، و هم صدقه دهد، و مقدار مشخصی لازم نیست که رعایت شود، آن مقدار که مقدور بود از آن بخورد، و آن مقدار که مقدور بود هدیه کند و صدقه دهد، و اگر خواست نزدیکان و دوستانش را (برای صرف گوشت عقیقه) دعوت کند، چه در داخل شهر یا خارج شهر، ولی در اینحالت لازمست مقداری هم به فقیر بدهد، و ایرادی ندارد که گوشتش را طبخ نموده یا بصورت خام توزیع کند، امر در آن وسعت دارد» (مجموع فتاوی (206/25)).

به هر حال اگر کسی از گوشت عقیقه چیزی را پخش نکند، عقیقه درست است، برخلاف قربانی که بایستی قسمتی از آنرا توزیع کرد.

اهدای شیرینی عوض عقیقه:

قبل از همه باید گفت که توزیع شیرینی برای تولد نوزاد جای عقیقه را نمی توان گرفت . امام ابن قیم رحمه الله می گوید:

«ذبح حیوان عقیقه از صدقه دادن پول آن افضلتر است، حتی اگر پول از ارزش حیوان بیشتر

باشد، زیرا هدف از عقیقه؛ ذبح حیوان و ریختن خون است، و این عبادتی مقرون به نماز است، چنانکه الله تعالی فرموده: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» (الکوثر / 2). پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. و می فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره الأنعام / 162. بگو: «نماز و ذبیحه ی من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است».) (تحفة المودود بأحكام المولود، صفحه (164).

همچنین از هیئت دائمی افتاء در مورد پرداخت پول بجای ذبح عقیقه سوال شد، آنها جواب دادند: «باید بجای نوزاد مذکر دو گوسفند، و نوزاد دختر یک گوسفند ذبح کند، و پرداخت پول یا همانند آنها جایز نیست». (اللجنة الدائمة (449/11).

بنابراین اگر کسی بجای ذبح حیوان عقیقه، پول یا هدایا یا شیرینی را به همسایگان و اقارب هدیه بدهد، عمل او بر خلاف سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است، البته ارسال پاکت جهت دعوت کردن مردم ممانعتی ندارد، زیرا این امر داخل در عرف و عادت است ولی نباید در آن اسراف و تبذیر شود، ولی سنت صحیح آنست تا برای پسر دو (یا یک) گوسفند همسن، و برای دختر یک گوسفند، ذبح شود و سپس گوشت آنرا بین همسایگان و اقارب توزیع کند و یا آنها را دعوت نموده از گوشت آن حیوان بدانها خوراک دهد.

تبریکی نوزاد:

یکی از حقوق ایکه والدین نوزاد بالای اقارب و دوستان دارد اینست که برای مادر و پدر طفل در به دنیا آوردن طفل جدید تبریکی عرض نماید و این تبریک گفتن یک رسم قرآنی بوده طوریکه در آیه (7 سوره مریم آمده است: «يُزَكَّرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلْمٍ اسْمُهُ يَحْيَى» (ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می دهیم). همچنان می فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (آل عمران: 45)

(فرشتگان گفتند: ای مریم! الله تو را به کلمه ای از جانب خود بشارت می دهد که نام او مسیح است عیسی فرزند مریم).

پس با تاسی به ملائکه اللہی که پیامبران (علیهم السلام) را بشارت فرزند داده اند باید به والدین بشارت و تهنئت مهمان جدید داده شود زیرا دین اسلام هیچ مناسبتی را نگذاشته است مگر اینکه پیروانش را به همدردی و همبستگی در همه برنامه های خوشی و غم امر نکرده باشد تا بنای جامعه اسلامی قوی و پایدار باقی بماند.

مژده و بشارت تولد فرزند به دیگران سبب تقویت محبت، استحکام روابط و گسترش مهر و عطوفت بین خانواده ها می گردد. لذا شایسته است به این امر عنایت خاصی نموده و به ایشان نوید دهیم. در صورتی که توفیق نیافتیم به آنها بشارت دهیم، شایسته است به آنها تبریک بگوییم. فرق بین این دو این است که بشارت یعنی خبر تولد فرزند یا هر خبر خوشی که مؤمن را خوش حال نماید به او بدهیم، ولی تبریک و تهنیت یعنی برای او دعای خیر کنیم.

لذا زماني که مورد قبول حق واقع شدن توبه کعب بن مالک رضي الله عنه و يکي ديگر از ياران پيامبر نازل گرديد، فردي سريعاً به او بشارت داد که توبهات پذيرفته شده و مردم با ورود کعب به مسجد به او تبريك و تهنيت مي گفتمند. کعب بن مالک رضي الله عنه زماني که از تخلف خود در غزه تبوك ياد مي نمود چنين مي گفت:

« سَمِعْتُ صَوْتَ صَارِحٍ أَوْفَى عَلَيَّ سَلَعٍ يَقُولُ بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا كَعْبَ بْنَ مَالِكٍ أَبَشِيرُ قَالَ فَخَرَرْتُ سَاجِدًا وَعَرَفْتُ أَنَّ قَدْ جَاءَ فَرَجٌ قَالَ فَادَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ بِتُوبَةِ اللَّهِ عَلَيْنَا حِينَ صَلَّى صَلَاةَ الْعَجْرِ فَذَهَبَ النَّاسُ يُبَشِّرُونَنَا فَذَهَبَ قَبْلَ صَاحِبَيَّ مُبَشِّرُونَ وَرَكَضَ رَجُلٌ إِلَيَّ فَرَسًا وَسَعَى سَاعٍ مِنْ أَسْلَمَ قِبَلِي وَأَوْفَى الْجَبَلِ فَكَانَ الصَّوْتُ أَسْرَعَ مِنَ الْفَرَسِ فَلَمَّا جَاءَنِي الَّذِي سَمِعْتُ صَوْتَهُ يُبَشِّرُنِي فَنَزَعْتُ لَهُ نُوبِيَّ فَكَسَوْتُهُمَا إِيَّاهُ بِبِشَارَتِهِ وَاللَّهِ مَا أَمَلْتُ عَيْرَهُمَا يَوْمَئِذٍ وَاسْتَعْرْتُ تَوْبَتَيْنِ فَلَبِسْتُهُمَا فَأَنْطَلَقْتُ أَتَامَمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَلَقَّانِي النَّاسُ فَوْجًا فَوْجًا يُهَيِّئُونِي بِالتَّوْبَةِ وَيَقُولُونَ لِتَهْنِئِكَ تُوْبَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ حَتَّى دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَحَوْلَهُ النَّاسُ فَقَامَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ يَهْرُولُ حَتَّى صَافَحَنِي وَهَتَّأَنِي وَاللَّهِ مَا قَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ غَيْرُهُ قَالَ فَكَانَ كَعْبٌ لَا يَنْسَاهَا لِيَطْلِحَهُ، قَالَ كَعْبٌ: فَلَمَّا سَلَّمْتُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ يَبْرُقُ وَجْهُهُ مِنَ السَّرُورِ وَيَقُولُ أَبَشِيرُ بِخَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْكَ مُنْذُ وَلَدْتِكَ أُمَّكَ.»

از ندا دهنده اي شنيدم که بر کوه سلع بالا آمده و با صداي بلند مي گفت: اي کعب! تو را مژده باد! من در همان حال به سجده ي (شکر) افتادم و دانستم که گشايش و فرجي حاصل شده است. پيامبر صلي الله عليه وسلم بعد از نماز صبح مردم را از اين که خداوند عزوجل توبه مرا پذيرفته است، باخبر ساخت و مردم براي نويد و مژده دادن به من از مسجد خارج شدند. عده اي از بشارت دهندگان به طرف دو رفيقم رفتند و مرد ي (زبير بن عوام رضي الله عنه) سوار بر اسب با سرعت به سويم روانه شد، ولي مرد ي از قبيله اسلم (حمزه بن عمر الاسلامي رضي الله عنه) دويد، از کوه بالا رفت و به من مژده داد. صداي او را قبل از سواره شنيدم. چون اين شخص (حمزه اسلامي رضي الله عنه) مژده دهنده به نزد آمد، در مقابل مژده اش هر دو لباسم را بيرون آورده و بر وي پوشاندم. قسم به خدا! در آن لحظه چيزي به جز آن دو جامه نداشتم و دو جامه ي ديگر به عاريت گرفته و پوشيدم و به قصد ديدار پيامبر صلي الله عليه وسلم به راه افتادم. مردم گروه گروه از من استقبال کردند و به خاطر قبول شدن توبه ام به من تبريك عرض کرده و مي گفتند: قبولي توبهات از سوي خداوند عزوجل مبارك باد! به مسجد رسيدم و پيامبر صلي الله عليه وسلم را در حالي که مردم در اطرافش نشسته بودند، ديدم. طلحه بن عبيدالله رضي الله عنه به سرعت نزد من آمد و با

من مصافحه نموده و تبریک گفتم. هیچ يك از مهاجرین غیر از او از جایش بلند نشد و کعب این کار طلحه رضی الله عنه را هرگز فراموش نکرد. کعب گفت: وقتی به پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام کردم، در حالیکه چهره مبارکش از شادی می‌درخشید فرمودند: این روز بر تو خوش باد! زیرا از زمانی که از مادرت متولد شده‌ای، این روز بهترین روزی است که بر تو گذشته است.

دعای تبریک و تهنیت برای نوزاد:

هنگامی که نوزادی متولد می‌گردید حسن بصری به آنها چنین تبریک می‌گفت: «جَعَلَهُ اللهُ مُبَارَكًا عَلَيْكَ وَ عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

امام نووی در اذکار این دعا را نیز نقل کرده است: «بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي الْمَوْهَبِ لَكَ، وَ شَكَرْتَ الْوَاهِبَ، وَ بَلَغَ أَشُدَّهُ، وَ رَزَقْتَ يَرَّهُ» «خداوند در آنچه به تو عنایت کرده برکت قرار دهد و شکر خداوند بخشنده را بجا آور و نوزاد را قدرت زیادی دهد و از نیکی و فضل خدا بهره‌مند شوی» و شخص مقابل در جواب می‌گوید: «بَارَكَ اللهُ لَكَ وَ بَارَكَ عَلَيْكَ، وَ جَزَاكَ اللهُ خَيْرًا، وَ رَزَقَكَ اللهُ مِثْلَهُ، وَ أَجَزَلَ نَوَابِكَ» «برکت خداوندی بر تو و برای تو باد! خداوند به تو پاداش نیک عطا کند و همانند این، روزی و نصیب کند و ثوابت را بیشتر کند.»

وظایف مستحبیه در حق نوزاد:

اول :

تحنیک (شیرین کردن کام نوزاد):

در مورد مالیدن خرماى جویده شده به کام طفل نوزاد حدیثی داریم که : ابوموسی رضی الله عنه آنرا روایت فرموده اند : « ولد لی غلام فدتیت به للنبی صلی الله علیه وسلم فسماه ابراهیم، فحنکه بتمره و دعا له بالبرکه و دفعه الی و کان أكبر ولد أبی موسی»
عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ وُلِدَ لِي غُلَامٌ فَأَتَيْتُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمَّاهُ إِبْرَاهِيمَ وَحَنَّكَهُ بِتَمْرَةٍ .

(صحیح مسلم کتاب ۲۵ حدیث ۵۳۴۳)

«خدا پسری به من داد او را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بردم، او را ابراهیم نام نهاد و با خرماپی کامش را شیرین کرد و برایش دعایی برکت کرد، سپس او را به من برگرداند، او بزرگترین فرزند ابوموسی بود.»

متفق علیه: بخاری (9/587/5467)، این لفظ بخاری است، مسلم (3/1690/2145)، مسلم در این حدیث جمله (و دعا له) را ذکر نکرده است.

دوم :

- تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم و به وزن موی سرش نقره، صدقه دادن مستحب است، ولی قابل تذکر است که این امر واجب نمی باشد ، بنابراین اگر والدین این صدقه را انجام ندادند، گناهی بر آنان نیست.

ترمذی در سنن خود از حدیث علی رضی الله عنه آورده : «عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْحَسَنِ بِشَاةٍ وَقَالَ يَا فَاطِمَةُ اخْلِقِي رَأْسَهُ وَتَصَدَّقِي بِزِنَةِ شَعْرِهِ فَضَةً قَالَ فَوَزَنَتْهُ فَكَانَ وَزْنُهُ دِرْهَمًا أَوْ بَعْضَ دِرْهَمٍ» ترمذی (1519) و حسنہ الشیخ الألبانی فی صحیح الترمذی. یعنی : «رسول خدا صلی الله علیه وسلم گوسفندی را بمناسبت تولد حسن ذبح نمود، و به دخترش فاطمه فرمود : موی سرش را بتراش و هم وزن آن نقره صدقه بده، فاطمه موی سرش را (بعد از تراشیدن) وزن نمود که مقدار یک درهم یا کمتر وزن داشت».

اما اگر والدین به هر دلیلی موی سر پسر خود را نتراشیدند، می توانند وزن موی بچه خود را تخمین زنند و هم وزن آن نقره صدقه کنند (و یا معادل وزن نقره، پول صدقه کنند).

در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده : «جمهور یعنی مالکیه و شافعیه و حنابله گفتند : تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم تولدش مستحب است، که در این میان مالکیه و شافعیه گفتند : هم وزن آن نقره یا طلا صدقه شود، ولی حنابله گفتند نقره صدقه شود. و اگر موی سر تراشیده نشد، تخمین زده شود و صدقه دهند، و وقت تراشیدن بعد از ذبح عقیقه باشد...» (الموسوعة الفقهية" (107/26).

امام نووی می گوید : «بدان! این (حدیث علی رضی الله عنه) از طرق بسیاری روایت شده که بیهقی آنها را ذکر کرده است، همه (طرق حدیث) متفق هستند که هم وزن (موی سر) نقره صدقه شود، و در هیچکدام ذکری از طلا نشده، برخلاف کسانی از یاران ما (شافعیه) که بدان معتقدند (یعنی معتقدند می توان هم وزن آن طلا هم صدقه داد)» (شرح المذهب (414/8).

و شیخ ابن عثیمین می گوید : «تراشیدن موی سر پسر در روز هفتم سنت است، حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد وارد شده : «موی سر تراشیده شود و هم وزن آن نقره صدقه شود»، اما بشرطیکه کسی که موی سر را می تراشد ماهر و حاذق باشد، و سرش را مجروح نکند، و (با تراشیدن) ضرری بر بچه نرسد، اگر اینها موجود نبود، بنظرم نباید سر را تراشید، در عوض هم وزن موی سرش نقره صدقه شود» (لقاء الباب المفتوح (120).

خلاصه اینکه: سنت است موی سر نوزاد را در روز هفتم تراشید و هم وزن موی تراشیده شده نقره صدقه داد، اگر با وجود عذر یا بدون عذر موی سر بچه تراشیده نشد، می توان وزن مویش را تخمین زد و به آن اندازه نقره صدقه داد.

سوم:

- ختنه کردن در روز هفتم:

به دلیل حدیثی که طبرانی در (المعجم الصغیر) از جابر روایت کرده که گفت : (أن رسول الله صلى الله عليه وسلم عق عن الحسن و الحسين و ختنهما لسبعة أيام) پیامبر صلی الله علیه وسلم برای حسن و حسین عقیقه داد و در روز هفتم آنها را ختنه کرد».

و به دلیل حدیثی که طبرانی در (الأواسط) از ابن عباس روایت کرده که گفت : (سبعة من السنة في الصبي يوم السابع : يسمي، و يختن، و يماط عنه الأذى، و تثقب أذنه، و يعق عنه،

و یحلق رأسه، ویلطح بدم عقیقه، و یتصدق بوزن شعر رأسه ذهبا أو فضة) «هفت چیز در روز هفتم تولد سنت است: نامگذاری، ختنه، برداشتن اذیت از او، سوراخ کردن گوش (برای دختران)، دادن عقیقه، تراشیدن موی سر، آغشته کردن او به خون عقیقه (آنچه لازم به یادآوری است این است که از آغشته کردن نوزاد به خون عقیقه نهی شده است.)، و به وزن موی سرش طلا یا نقره صدقه دادن».

آذان و اقامت در گوش طفل:

راجع به آذان و اقامت در گوش نوزاد بین علما اختلاف نظر وجود دارد عده ی آنرا مستحب می دانند در حالیکه بعضی دیگری دلایل حکم آنرا ضعیف تلقی کرده و عمل به آنرا ناجایز قرار داده اند.

یکی از حکمت های که برخی از علمای اسلامی در گفتن آذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ طفل نوزاد بدان استدلال مینمایند اینست که به زعم شان میخواهند بدین وسیله اولین ندایی آسمانی را بر گوش نوزاد وارد سازند .

در این جای شک نیست که انسان با گفتن شهادتین وارد دایره ی اسلام می شود. و همینکه نوزاد در این دنیا جدید وارد میشود ، شعار با عظمت اسلام یعنی در گوش راست آذان و در گوش چپش شعار اقامه داده میشود . و به اصطلاح شعار اسلام به او تلقین می گردد، همان طوری که در وقت جانکندن و رفتن از این دنیا کلمه ی توحید به او یادآوری می شود. در حدیثی آمده است که :- « وَ مَنْ كَانَ آخِرُ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ ». (هر کس آخرین کلمه اش لا اله الا الله باشد، به جنت خواهد رفت).

علماء استدلال می آورند که؛ با در نظر داشت اینکه طفل نوزاد توانایی درك آذان را ندارد لیکن ادای این کلمات ذیقیمت و مجلل بر قلب طفل اثر می گذارد.

در حدیث متبرکه که در مورد یکی از فواید آذان آمده است :

« ان الشيطان اذا سمع النداء هرب » هر زمانیکه شیطان صدای آذان را می شنود فرار میکند. در وقت آذان بر شیطان خوف و هیبت طاری گردیده با حواس پریشان فرار می نماید، و تا جائیکه صدای آذان شنیده شود هر گز نمی ایستد . (روای حدیث بخاری و مسلم است) .

شیطان که منتظر تولد نوزاد است تا در اولین لحظات او را گمراه نموده و از جاده ی مستقیم منحرف سازد، کلمات آذان و اقامه پلان شوم شیطانی و ابلیس او را ضعیف و ناامید می سازد. بنابراین فرزند در ابتدای تولد دعوت به سوی الله دعوت بسوی توحید و در نهایت امر دعوت به دین مقدس اسلام میگردد ، قبل از اینکه شیطان خبیث او را وسوسه های خویش او را به سوی شر و بدی دعوت نماید.

احادیثی وارده در این مورد:

تعداد علمای که بر ادای آذان واقامه در گوش طفل نوزاد تاکید میدارند به این احادیث استدلال میدارند .

- عن أبي رافع عن أبيه قال: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُذِّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ»

(مسند احمد ۹ / ۶ ، و ابو داود (۵۱۰۵) ، و الترمذی ۵ / ۱۰۷ و گفت: این حدیث صحیح است . (از ابی رافعی روایت است که: هنگامیکه فاطمه رضی الله عنها حسن رضی الله عنه را تولد کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در گوش شان آذان فرمودند قسمیکه برای نماز آذان گفته می‌شود).

- همچنان در حدیثی که از عمر بن عبدالعزیز وارد شده آمده است: «در گوش راست نوزاد آذان و در چپش اقامت می‌گفت» (این حدیث در مصنف عبد الرزاق تحت شماره (۷۹۸۵) و در شرح السنة از بغوی (۱۱ / ۷۳) .

- همچنان ابن السنی از حسن بن علی و او از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ وُلِدَ لَهُ وَلَدٌ فَأَذَّنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقَامَ فِي الْيُسْرَى لَمْ يَضُرَّهُ أُمُّ الصَّبِيَانِ» (کسی که نوزادی برایش متولد شد، سپس در گوش راست او آذان و در گوش چپ او اقامه بگوید، أم صبیان به او ضرری نمی‌رساند.) اما این حدیث را علما ضعیف قرار داده اند طوریکه شرح آن بعدا توضیح میگردد. « أم صبیان» عبارت از همان جن، یا شیطانی ساختگی که گویا طفل نوزاد را مورد اذیت قرار می‌دهد.

یادداشت ضروری:

قبل از همه باید گفت حدیث ایکه « درمورد آذان در گوش راست واقامه در گوش چپ و دفع ضرر جن و شیطان بنام « أم صبیان» ذکر یافته ، از جمله احادیث موضوع (ساختگی) میباشد (ابن سنی باب ما يعمل بالولد اذا ولد رقم 624)

- طوریکه الهیثمی در مورد این حدیث می فرماید : در حدیث راوی بنام مروان بن سالم الغفاری وجود دارد که وی از جمله متروک احادیث است .مراجعه شودبه(مجمع الزوائد4/59) . همچنان این حدیث را امام النووی فی الأذکار صفحه 286 و المناوی فی فیض القدير 309/6 ، ذکر نموده که تفصیل آنرا ملاحظه فرماید .

همچنان در مورد ضعیف بودن این حدیث مراجعه نماید به : إرواء الغلیل رقم 1174- سلسله الأحادیث الضعیفة رقم 321

بنآ بصورت کل گفته میتوانیم که : نسبت دادن آن به پیامبر صلی الله علیه وسلم حکم تحریم دارد و هیچ حدیث صحیحی دلیل بر وجود چنین جنی بنام (أم صبیان) در احادیث وارد نشده است - و الله اعلم.

یادداشت حکمی:

در مورد اقامه گفتن در گوش چپ، هیچ دلیل صحیح وجود ندارد، ولی بعضی از علما با قیاس بر اذان، اقامه گفتن در گوش چپ را کاری شایسته می‌دانند. وهمان حدیث رافعی که از پدر خود روایت فرموده است، و در فوق تذکر یافت دلیل می‌آورند: «أُذِّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ» (هنگامیکه فاطمه رضی الله عنها حسن رضی الله عنه را تولد کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در گوشش آذان فرمودند قسمیکه برای نماز آذان گفته می‌شود).

خواننده، محترم!

هستند علمای که اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ طفل نوزاد، مستحب می‌دانند، ولی در مقابل هستند تعدادی کثیری از علماء که اجرای اذان را در گوش طفل نوزاد حتی مشروع هم نمی‌دانند، و استدلال می‌آورند که همه احادیث وارد در این باب از جمله احادیثی ضعیف می‌باشد.

ولی برخی از علماء مدعی هستند که می‌توان در فضایل اخلاق (البته بنا بر شرایطی) عمل نمود و لذا خواندن اذان در گوش نوزاد را مستحب می‌دانند! ولی حقیقت آنست که مادامیکه حدیث ضعیف باشد نمی‌توان آنرا شرع دانست و عمل بدان بدعت است هر چند که شخصی آنرا در حق خود عمل کند. شیخ سلیمان بن ناصر العلوان یکی از علمای شهر کشور عربستان سعودی طی فتوای می‌فرماید:

« حدیث وارد در مورد اذان در گوش طفل نوزاد ثابت نیست ... و در این باب حدیثی به صحت نرسیده است بنابراین خواندن اذان یا اقامه در گوش نوزاد غیرمستحب است. و احکام شرعی از واجبات و مستحبات و محرمات و مکروهات، اقامه نخواهند شد مگر با وجود ادله صحیح و اخبار ثابت شده»

همچنین شیخ ابن عثیمین رحمه الله در جواب یک سوال فرموده است:

سوال: «آیا اذان در گوش راست نوزاد و اقامه در گوش چپ وی در روز هفتم صورت می‌گیرد یا در روز اول؟ در چه روزی باید صورت گیرد؟!»

جواب شیخ ابن عثیمین:

«اولا لازم است بپرسیم: آیا اصلا این قضیه جزو امور مشروع است یا خیر؟ زیرا احادیث وارد در مورد آن قوی نیستند، بالخصوص در مورد اقامه، و کسی که آن احادیث را صحیح می‌داند می‌گوید: باید در هنگام تولد باشد!» (مراجعه شود: لقاء الباب المفتوح (24/60)).

شیخ خالد بن علی المشیقح مفتی سرشناس کشور سعودی:

شیخ خالد بن علی المشیقح بتاريخ: (۸ صفر ۱۴۳۳ (۲۰۱۲/۱/۲) طی جواب سوال یکی از سوال کنندگان فرموده است:

السؤال:

ما هو حكم الأذان والإقامة في أذان المولود بعد ولادته؟ هل هو سنة مشروعة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم أم لا؟

الإجابة:

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه، أما بعد: حكم الأذان والإقامة في أذن المولود غير مشروع لأن الوارد في ذلك حديث ضعيف لا يثبت عن النبي صلى الله عليه وسلم.

سوال :

حكم اذان و اقامه گفتن در گوشهای طفل نوزاد بعد از ولادتش چیست؟ آیا این عمل جزء سنت مشروعه رسول خدا صلى الله عليه (و آله) و سلم است یا خیر؟

جواب:

« ... حكم اذان و اقامه در گوش نوزاد مشروع نیست (شرعا حرام است) چون حدیثی که در این مورد وارد شده حدیث ضعیفی است که ثابت نشده از پیامبرصلى الله عليه وسلم باشد .».

فتوای شیخ بن باز:

شیخ بن باز رحمه الله علیه طی فتوای در مورد گفتن اذان و اقامه در گوش طفل نوزاد می فرماید :

« اذان باید در روز هفتم تولد صورت گیرد و البته اگر این عمل (اذان در گوش نوزاد) ترک شود ایرادی بر آن نیست، از پیامبر صلى الله عليه وسلم ثابت نشده است که ایشان در گوش نوزاد پسر یا دختر اذان گفته باشند»

همچنان از وی در برخی احادیث - که بعضی از عوامل ضعف نیز در آنها موجود است- آمده که در گوش (راست) نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه خوانده است پس اگر کسی این کار را در حق طفل نوزاد انجام دهد اشکالی بر آن نیست، و عمر ابن عبدالعزیز نیز چنین عمل کرده و جماعتی از اهل علم آنرا بدون اشکال دانسته اند، و اگر این عمل ترک شود و نوزاد را بدون گفتن اذان و اقامه در گوشش اسم گذارند نیز ایرادی ندارد، چرا که پیامبر صلى الله علیه وسلم پسرش ابراهیم را بدون اذان و اقامه برایش اسم گذاشت، و بعضی از اولاد صحابه را در روز هفتم اسم می گذاشت بدون اینکه اذان و یا اقامه در گوش آنها بخواند و بعضی را نیز در روز اول اسم می گذاشت و اسم پسرش را در روز اول نام نهاد و اشکالی در این امر نیست، و ایرادی ندارد که اسم نوزاد را در روز اول گذاشت یا در روز هفتم، و همچنین هیچ ایرادی ندارد که در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپش اقامه خواند، و هیچ اشکالی بر آن نیست و سنت است که در روز اول یا روز هفتم بر نوزاد اسم گذاشت» (شیخ ابن باز)

بإدداشت ضروری:

بنأ بصورت كل گفته میتوانیم كه :اگر كسى عمل گفتن آذان در گوش راست واقامه در گوش چپ طفل نوزاد را انجام دهد و یا هم اینکه آنرا ترك كند، در هر دو صورت اشكالی وممانعتی ندارد.

منابع وماخذ ها :

- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد (المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: 807هـ))
- فتاوى اللجنة الدائمة
- نیل الأوطار (الامام محمد الشوكانى 1173 هـ 1250 هـ ، 1759- 1834)
- المغنى لابن قدامه مولف أبو محمد موفق الدين عبد الله بن احمد بن محمد بن قدامه الجماعيلى المقدسى ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)
- تحفة المودود بأحكام المولود المؤلف: محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: 751هـ)
- بخارى ، مسلم
- فتاوى شيخ ابن باز
- فتاوى شيخ ابن عثيمين رحمه الله

فهرست موضوعات مندرج :

- عقيقه و احكام آن
- فضيلت عقيقه
- عقيقه پسر ودختر
- عقيقه مستحب است يا واجب
- وقت ذبح عقيقه
- توزيع گوشت عقيقه
- اهدای شیرنی عوض عقيقه
- تبريکی نوزاد
- دعای تبريك و تهنيت برای نوزاد
- وظائف مستحبه در حق نوزاد

- تحنیک (شیرین کردن کام نوزاد)
- تراشیدن موی سر نوزاد
- ختنه کردن در روز هفتم
- آذان و اقامت در گوش طفل
- احادیثی وارده در این مورد
- یادداشت های حکمی

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی
مهتمم : دکتور صلاح الدین «سعیدی – سعید افغانی »
مصحح: فضل احمد

ادرس : saidafghani@hotmail.com